بازداشت ۹ قاچاقچی نقره چینی

سربازان گمنام امام زمان (عج) باند قاچاق زیورآلات نقره چینی را کشف و ۹ نفر را در این باره بازداشت کردند.

به گزارش روابط عمومی وزارت اطلاعات، قاچاقچیان محموله‌های نقره را از چین به عراق آورده سپس با جاسازی در اتوبوس به تهران منتقل می‌کردند تا به صورت شبکه سراسری در سطح کشور توزیع شود. این اقدامات به تعطیلی کشیده شدن واحدهای نقره‌سازی و بیکاری فعالان این بخش منجر شده بود.

سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره‌کل اطلاعات استان آذربایجان شرقی این باند قاچاق سازمان‌یافته زیورآلات نقره چینی به داخل کشور را کشف و ۹ نفر از قاچاقچیان را بازداشت کردند. در جریان تحقیقات از متهمان معلوم شد آنها از سال ۹۲ تاکنون حدود ۲۳ تن زیورآلات نقره به ارزش صد میلیارد تومان (قیمت کارخانه‌ای) قاچاق کرده‌اند.



قتل شوهر
شرط زن خیانتکار برای ازدواج



زن خیانتکار پس از آشنایی با دوست همسرش، اجرای سناریوی قتل شوهرش را شرط ازدواج با او تعیین کرد. تیم جنایی با بررسی محل قتل، تنها لباس خونین مقتول را پیدا کردند.

به گزارش جام جم، در آخرین روز آذر امسال ماموران در جریان ناپدید شدن مردی میانسال در تهران قرار گرفتند. پسر این مرد با مراجعه به پایگاه هفتم پلیس آگاهی با طرح شکایتی گفت: پدرم به نام سعید ۵۴ ساله چند روز قبل از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. در این مدت تلفن همراهش خاموش بوده که احتمال می‌دهم اتفاق بدی برایش رخ داده باشد.

ماموران در تحقیقات خود متوجه شدند، سعید به خاطر اختلافاتی که با همسر اولش داشته، از او جدا شده و پنج سال قبل با زنی ۳۲ ساله به نام سمیرا ازدواج کرده است.

سمیرا در جریان تحقیقات مدعی شد نمی‌داند همسرش به کجا رفته و در این مدت تلاشش برای یافتن او بی نتیجه مانده است.

کارآگاهان که به اظهارات سمیرا مشکوک شده بودند، تحقیقات را روی او متمرکز کرده و دریافتند او با سعید درگیری و اختلاف داشته و موضوع را به یکی از دوستان شوهرش به نام فرزاد ۴۹ ساله اطلاع داده و از او درخواست کمک کرده بود. با کشف این سرنخ، سمیرا دوباره تحت بازجویی قرار گرفت و در باره آشنایی با فرزاد گفت: حدود چهار ماه قبل، همراه همسرم برای پیدا کردن یک خانه اجاره‌ای به بنگاه املاک متعلق به یکی از دوستانش در منطقه نازی‌آباد رفتم و در آنجا با فرزاد آشنا شدم.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات پی بردند فرزاد آخرین شخصی بوده که همراه با مقتول مشاهده شده است. متهم دستگیر و روز پنجشنبه هفته گذشته با اعتراف به ارتکاب جنایت عنوان کرد پیشنهاد ارتکاب جنایت از سوی سمیرا مطرح شده و قرار بوده دو ماه پس از ارتکاب جنایت آن دو با هم ازدواج کنند.

فرزاد که از حدود ده سال پیش از همسر خود جدا شده بود در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: سعید همیشه همسرش را اذیت می‌کرد و رابطه خوبی با او نداشت و همین موضوع باعث شد تا سمیرا پس از گذشت مدت کوتاهی از من درخواست کمک کرده و پیشنهاد قتل فرزاد را مطرح کند.

فرزاد درخصوص نحوه ارتکاب جنایت به کارآگاهان گفت: براساس نقشه با سعید تماس گرفته و مدعی شدم چند قطعه زیرخاکی پیدا کرده و در نزدیکی شهر قم دفن کرده ام. شب جنایت به بهانه دیدن اشیای عتیقه او را به بیابان‌های اطراف قم بردم. ساعت ۱۱ شب ۲۸ آذر با خودروی یکی از دوستانم به دنبال سعید و همسرش رفتم. پس از آن به سمت جاده قدیم تهران - قم حرکت کرده و در یک منطقه بیابانی توقف کردم. پس از پیاده شدن از ماشین، با چاقو چند ضربه به گردن، سینه و شکم سعید زده و او را به قتل رساندم و همراه سمیرا به تهران بازگشتیم.

با اعتراف فرزاد به ارتکاب جنایت و مشارکت همسر مقتول در جنایت، سمیرا نیز بلافاصله دستگیر شد و در همان تحقیقات اولیه با تایید اعترافات فرزاد در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: با نقشه قبلی که درخصوص قتل همسرم کشیده بودیم، همراه فرزاد به کیلومتر ۵۵ جاده قدیم تهران - قم رفتیم. پس از رفتن به داخل یک جاده خاکی، فرزاد از ماشین پیاده شد و به بهانه نشان دادن زیرخاکی همسرم را به داخل بیابان کشاند. در حالی که من نیز پشت سر آنها در حال حرکت بودم، فرزاد با چاقویی که از قبل تهیه کرده بود، چند ضربه به همسرم وارد کرد و پس از رها کردن جسد در بیابان به تهران بازگشتیم.

سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: با اعتراف صریح متهمان به رهاسازی جسد در منطقه‌ای بیابانی در کیلومتر ۵۵ جاده قدیم تهران - قم، تحقیقات برای کشف جسد مقتول در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. ۲۹ دی‌ماه تیم بررسی صحنه جنایت اداره دهم همراه متهمان پرونده به محل جنایت رفته اما با وجود بررسی میدانی محل جنایت موفق به کشف جسد یا بقایای جسد نشده و تنها چند تکه لباس آغشته به خون متعلق به مقتول در محل جنایت کشف شد که آثار دندان حیوان وحشی بر روی آن دیده می‌شد.

خیانتی که جنایت آفرید

سمیرا ۳۲ ساله با انتقال به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران در جریان تحقیقات قضایی به قتل شوهرش اعتراف کرد و به بازپرس جنایی گفت: شوهرم در حال خیانت کردن به من بود به همین خاطر از این وضع خسته شدم و تصمیم به اجرای نقشه قتل او با همدستی دوستش گرفتم.



سمیرا دیروز در گفت‌وگو با جام جم به تشریح سناریوی این جنایت هولناک پرداخت.

از آشنایی با مقتول بگو؟

شوهر۵۴ ساله‌ام تاجر بود و وضع مالی خوبی داشت. از طریق یکی از اقوام با او آشنا شدم و با او ازدواج کردم. شوهرم قبل از من دو بار ازدواج کرده بود.

با هم اختلاف داشتید؟

اوایل زندگی‌مان نه؛ اما از چندی پیش متوجه تغییر رفتارهایش شدم و سرانجام پی بردم او به من خیانت کرده و با زنی پنهانی در ارتباط است. همین باعث درگیری و ادامه اختلاف‌هایمان شد. شوهرم مدعی بود من اشتباه می‌کنم و خیانتی در کار نیست.

چرا طلاق نگرفتی؟

چند بار درخواست طلاق دادم اما شوهرم با ادعای این‌که به من علاقه دارد، طلاقم نداد.

نقشه قتل چطور کلید خورد؟

بعد از برقراری ارتباط با دوست شوهرم، تصمیم به قتل او گرفتیم تا بتوانیم ازدواج کنیم. شرطم برای ازدواج با مرد بنگاهدار این بود که شوهرم را بکشد. او این شرط را قبول کرد. اول می‌خواستیم با نوشیدنی مسموم او را بکشیم که شوهرم به آبمیوه شک کرد. بعد تصمیم گرفتیم با تصادف ساختگی او را به قتل برسانیم که این بار هم جان سالم به در برد. سرانجام تصمیم گرفتیم از آنجا که شوهرم به زیر خاکی و عتیقه‌جات علاقه داشت، او را به بهانه دیدن اشیای زیر خاکی به بیابان ببریم و بکشیم.

بعد از جنایت فرار کردید؟

نه. حتی همدستم شب‌ها به خانه من می‌آمد.

سرقت هم کردید؟

طی دو مرحله ۱۴۳ میلیون تومان به حساب خودم واریز کردم.

زن جوان مدعی شد وقتی متوجه خیانت شوهرش شده برای تلافی با دوست او ارتباط پنهانی برقرار کرده است

دردسر اینترنتی دوستی دختر و پسر جوان



پسر جوان وقتی فهمید دختر مورد علاقه‌اش، شماره او را بلاک کرده است با عکس‌های خصوصی‌اش، صفحات دروغین در شبکه‌های اجتماعی راه‌اندازی کرد و با این کار قصد اخاذی ده میلیون تومانی از دختر جوان را داشت.

به گزارش جام جم، چندی قبل دختر جوانی با حضور در پلیس فتای تهران برای رهایی از مزاحمت و تهدیدهای پسر جوانی که با انتشار تصاویرش باعث آبروریزی وی شده درخواست کمک کرد.

ماموران به تحقیق از دختر ۲۷ ساله پرداختند که مشخص شد، پسرجوانی با به دست آوردن تصاویر دختر جوان به ساخت صفحات دروغین در اینستاگرام و تلگرام اقدام کرده و با پخش کردن آنها و نوشتن متن‌های غیراخلاقی، مشکلاتی برای او به وجود آورده است.

کارآگاهان پلیس فتا در ادامه تحقیقات متوجه شدند پسر جوان برای پایان دادن به انتشار تصاویر و استیکرهای مختلف با تصویر دختر جوان پیشنهاد ده میلیون تومانی داده بود. ماموران در گام بعدی تحقیقات پی بردند پسر جوان، برادر یکی از دوستان دختر جوان است که از چند سال قبل با هم آشنا شده و قصد ازدواج داشته‌اند. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ در این باره گفت: با به دست آمدن این سرنخ، ماموران علی ۳۲ ساله را دستگیر کردند

سرهنگ تورج کاظمی عنوان کرد: علی در تحقیقات پلیسی ادعا کرد چهار سال قبل از طریق خواهرم با دختر جوان آشنا شدم و در این مدت تصمیم به ازدواج داشتم، اما بعد از این همه سال با هم دچار اختلاف شدیم تا جایی که دختر مورد علاقه‌ام شماره تلفنم را بلاک کرد و دیگر جواب پیام‌هایم را نداد. چون از دختر جوان پول طلب داشتم ابتدا خواستم بدهکاری‌اش را بپردازد، اما وقتی دیدم او هیچ اقدامی برای پرداخت نمی‌کند تصمیم گرفتم انتقام بگیرم. به همین خاطر با توجه به در دست داشتن تصاویر دختر جوان به ساختن صفحات مختلف و انتشار عکس و استیکر با تصاویر دختر جوان در شبکه‌های اجتماعی اقدام و تهدید کردم اگر پولم را پرداخت نکند به این کار ادامه می‌دهم.

در ادامه، علی و دختر جوان برای رسیدگی به پرونده‌شان در اختیار مقام قضایی در دادسرای جرایم رایانه‌ای قرار گرفتند.

بخشش عامل جنایت شیطانی بعد از ۱۴ سال

مرد راننده که ۱۴ سال قبل خام حرف‌های یک زن شده و با همدستی وی، شوهر او را کشته و خانه‌اش را به آتش کشیده بود با جلب رضایت اولیای دم از قصاص رهایی یافت و دیروز از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

به گزارش جام جم، رسیدگی به این پرونده از ۱۴ سال قبل به دنبال پیدا شدن جسد یک مرد سالخورده در خانه اش در غرب تهران در دستور کار پلیس قرار گرفت. وقتی پسر محمود به خانه مراجعه کرد با جسد سوخته پدرش رو به رو شد و پلیس را در جریان قرار داد. شواهد نشان می‌داد، جنایت از سوی یک آشنا رخ داده و عامل یا عاملان جنایت با آتش کشیدن خانه قصد گمراه کردن پلیس را داشته‌اند. پلیس به تحقیق پرداخت و دریافت همسر این مرد ۷۰ ساله به نام اعظم که ۳۰ سال داشت نیز همزمان با این جنایت ناپدید شده است. به این ترتیب فرضیه دست داشتن اعظم در جنایت خانوادگی قوت گرفت. یک هفته از این ماجرا گذشته بود که اعظم به پلیس آگاهی رفت و خودش را تسلیم کرد. وی گفت: من با همدستی یک مرد همسرم را کشتم و خانه را آتش زدم تا پلیس را گمراه کنم. ما به شمال رفته بودیم اما یک هفته بعد دچار عذاب وجدان شدم و به تهران برگشتم.

با اعتراف‌های این زن همدستش به نام فرامرز نیز ردیابی و بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد.

به این ترتیب فرامرز به اتهام قتل و اعظم به اتهام معاونت در قتل در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در آن جلسه فرزندان قربانی برای عاملان جنایت حکم قصاص خواستند.

زن جوان گفت: ۱۲ ساله بودم که پدرم به زور مرا شوهر داد. همسرم مردی بداخلاق و معتاد بود و بارها مرا کتک زده بود. با آن‌که به تازگی بچه‌دار شده بودم مرا از خانه بیرون کرد و خواست تا به خانه پدرم برگردم. من هم به ناچار به خانه پدرم که در شمال کشور بود، رفتم. بعد هم طلاقم داد. پدرم وضع مالی خوبی نداشت. او می‌گفت نمی‌تواند مخارج زندگی‌ام را تامین کند. به همین خاطر چند سال بعد مرا به محمود که سنی بیشتر از پدرم داشت، شوهر داد. او مرد بدی نبود، اما صاحب چهار فرزند بود و من هیچ علاقه‌ای به او نداشتم.

وی درباره آشنایی‌اش با فرامرز گفت: آن روز همراه فرزندم به عنوان مسافر سوار ماشین او شدیم. من که از زندگی‌ام ناراحت بودم، گریه کردم و فرامرز علت گریه‌هایم را پرسید. من هم با او درد دل کردم و تلفنم را به او دادم. بعد از مدتی از او خواستم تا در کشتن شوهرم به من کمک کند. او هم پذیرفت. ولی من در قتل دخالتی نداشتم.

با اظهارات این زن فرامرز نیز جنایت را گردن گرفت. در پایان جلسه قضات دادگاه فرامرز را به قصاص و زن جوان را به ۱۵ سال زندان محکوم کردند. حکم صادره در دیوان عالی کشور تایید شده بود که فرامرز توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند. به این ترتیب دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یک قاضی مستشار پای میزمحاکمه ایستاد.

وی گفت: من راننده بودم و با ماشین کار می‌کردم و پسری یک ساله داشتم. آن روز اعظم و فرزندش را به عنوان مسافر سوار ماشین کردم. او ناراحت بود و گریه می‌کرد. من که ناراحت شده بودم علت گریه اش را پرسیدم و او با من درددل کرد. او گفت شوهرش مرد سالخورده‌ای است که هیچ علاقه‌ای به او ندارد و از زندگی‌اش ناراضی است. حرف‌هایش باعث شد تا دلم برایش بسوزد. من چند بار با او تماس گرفتم و او با من درددل کرد. آخرین بار گفت از زندگی‌اش خسته شده و می‌خواهد شوهرش را بکشد. او از من خواست در این کار کمکش کنم. او در خانه را باز گذاشت و من نیمه شب وارد خانه آنها شدم و شوهرش را خفه کردم. سپس خانه را آتش زدیم تا همه فکر کنند پیرمرد در آتش‌سوزی خانه مرده است. ما بعد از قتل از ترس به شمال کشور فرار کردیم اما اعظم دچار عذاب وجدان شد و به تهران برگشت و ماجرا را به پلیس گفت.

وی ادامه داد: در مدت ۱۴ سالی که در زندان بودم خیلی عذاب کشیدم، حالا پسرم ۱۵ سال دارد و من شرمنده او هستم. من اشتباه بزرگی مرتکب شدم و حالا پشیمانم. با پرداخت دیه ۳۰۰ میلیونی توانستم رضایت فرزندان قربانی را جلب کنم و حالا از دادگاه تقاضا دارم در مجازات تخفیف قائل شوند. می‌خواهم به زندگی‌ام برگردم و گذشته سخت را برای پسر نوجوانم جبران کنم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

مرد اعدامی با پرداخت دیه ۳۰۰میلیونی توانست رضایت اولیای دم را جلب و از چوبه دار نجات پیدا کند

نجات زن شوهرکش از قصاص با بخشش دخترانش



دو دختر جوان با حضور در دادسرای جنایی تهران، مادر میانسال‌شان را که به اتهام قتل پدرشان از هفت ماه پیش در بازداشت به‌سر می‌برد، بخشیدند.

به گزارش جام جم، این زن ۴۳ ساله متهم است شامگاه بیست و ششم خرداد امسال، شوهرش را به قتل رسانده و جسد او را داخل بشکه‌ای در پشت بام خانه‌شان در خیابان اسکندری انداخته بود. با لو رفتن ماجرای این جنایت، این زن با دستور سجاد منافی‌آذر بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران بازداشت شد. او با اعتراف به جنایت و بعد از بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد. با گذشت هفت ماه از این جنایت، لیلا برای آخرین جلسه تحقیقات به دادسرا منتقل شد و دوباره قتل شوهرش را پذیرفت و گفت: شوهرم همیشه کتکم می‌زد و روز عید فطر دوباره دعوایمان شد. مدتی بود به رفتارهای او ظنین شده و گمان می‌کردم با زن غریبه‌ای در ارتباط است و به من خیانت می‌کند. چند بار گوشی‌اش را بررسی کردم که متوجه شدم با چند زن، اینترنتی و پیامکی ارتباط دارد. آن شب او را با نوشیدنی شیرموز مسموم کردم. بعد از کشتن شوهرم، جسد او را شبانه به پشت بام بردم و با انداختن در بشکه به آتش کشیدم و بعد ملات بتون درست کردم و آن را داخل بشکه ریختم.

دو دختر جوان این زن نیز به بازپرس پرونده گفتند: ما پدرمان را از دست داده‌ایم. از سویی مادرمان نیز به اتهام قتل بازداشت شده و در زندان به‌سر می‌برد؛ بنابراین نمی‌توانیم تحمل کنیم مادرمان نیز در زندان بماند، به همین خاطر نمی‌توانیم مادرمان را قصاص کنیم و او را می‌بخشیم.

با توجه به بخشش زن شوهرکش از سوی دو دختر جوانش، او با تجدید قرار قانونی روانه زندان شد. پرونده او با صدور جلب به دادرسی برای محاکمه وی از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

تلنگر

درخواست مرد زندانی از دادگاه برای آزادی

مرد جوان که هفت سال قبل با همدستی همسرش، مرد مزاحم را کشته و به پرداخت دیه محکوم شده بود، از قضات دادگاه کمک خواست و درخواست تقسیط دیه را مطرح کرد.

به گزارش جام جم، ۴ بهمن ۹۰، جسد مرد جوانی که مدارک شناسایی همراهش نشان می‌داد نعیم نام دارد در بیابان‌های ورامین پیدا شد. شواهد نشان می‌داد مرد افغان در جای دیگری کشته و در تاریکی شب جسدش به بیابان منتقل شده است. پلیس به تحقیق پرداخت و به رابطه پنهانی وی با یک زن جوان به نام حمیرا پی برد. حمیرا تحت تعقیب قرار گرفت و چند ماه بعد بازداشت شد. وی به قتل نعیم با همدستی شوهرش به نام حمید اعتراف کرد. حمید نیز بازداشت شد و جنایت را گردن گرفت. وی گفت: نعیم را کشتم چون برای همسرم مزاحمت ایجاد کرده بود و می‌خواست با او رابطه برقرار کند. برای حمید به اتهام مباشرت در قتل و برای همسرش به اتهام معاونت، کیفرخواست صادر و تلاش برای یافتن اولیای دم آغاز شد.

در آن میان، زن میانسالی با مراجعه به دادگاه ادعا کرد مادر نعیم است، اما مدارکی که ارائه داده بود با سن و سال نعیم همخوانی نداشت. وی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران برای عاملان جنایت حکم قصاص خواست و زن و شوهر جوان به تشریح ماجرا پرداختند. در پایان جلسه، قضات دادگاه حمید را به قصاص و همسرش را به ۱۵ سال زندان محکوم کردند، ولی وقتی با بررسی پرونده در دیوان عالی کشور روشن شد زنی که مدعی بود مادر نعیم است دروغگو بوده، این حکم در دیوان عالی کشور شکسته شد. به این ترتیب و در حالی که اولیای دم شناسایی نشده بودند زوج جوان در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند و حمید به پرداخت دیه به صندوق بیت‌المال و همسرش به زندان محکوم شد. این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد. اما با گذشت هفت سال از جنایت حمید نتوانست دیه را بپردازد و در زندان ماند. او با نوشتن نامه‌ای از قضات دادگاه کمک خواست و درخواست تقسیط دیه را مطرح کرد. وی دیروز در دادگاه حاضر شد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من چندبار نعیم را به خانه‌ام دعوت کرده بودم، اما پس از مدتی فهمیدم به همسرم نظر دارد. از همسرم خواستم او را به باغ دعوت کند. وقتی او به باغ آمد من در اتاق پنهان شده بودم. او سر صحبت را با همسرم باز کرد و من یکباره با چاقو به او حمله کردم و او را کشتم.

وی گفت: تا زمانی که آزاد نشوم نمی‌توانم دیه را بپردازم. به همین خاطر از قضات دادگاه تقاضا دارم با تقسیط دیه موافقت کنند.

مرگ خاموش در موتورخانه

مرد جوان در اتاقک موتورخانه براثر گازگرفتگی در حالی فوت شد که زن جوان و دختر نوجوان جان سالم به در بردند.

به گزارش جام جم، این حادثه شامگاه شنبه در محله شهران رخ داد و اعضای این خانواده در اتاق کنار موتورخانه دچار گازگرفتگی شدند.

ممنوعیت سگ‌گردانی در پارک‌های لواسان

سگ‌گردانی در پارک‌های لواسان با دستور رئیس حوزه قضایی لواسانات ممنوع شد.

به گزارش میزان، شریعتی رئیس حوزه قضایی لواسانات طی دستوری به رئیس کلانتری ۱۶۶ لواسانات اعلام کرد: برای پیشگیری از جرم، سگ‌گردانی در پارک‌ها که احتمال حمله به عابران یا احساس ناامنی برای افرادی که برای پیاده‌روی یا تفریح مراجعه کرده‌اند را به همراه داشته، ممنوع است.

مزاحمان دختران روانه زندان شدند

عاملان ایجاد مزاحمت برای دختران در پارک ائل‌گلی تبریز به زندان معرفی شدند.

خلیل‌اللهی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز آذربایجان شرقی به میزان گفت: به محض اطلاع از موضوع ایجاد مزاحمت افرادی برای دختران در پارک ائل گلی تبریز دستورات لازم صادر شد و شامگاه شنبه دو نفر در این رابطه بازداشت شدند و در اختیار پلیس امنیت اخلاقی قرار گرفتند. متهمان روز یکشنبه مورد تحقیقات قضایی قرار گرفتند و بعد از تفهیم اتهام به زندان معرفی شدند.